

شهرآرا محله از پشت پرده چرخه خرید و فروش ضایعات گزارش می‌دهد

ردپای دلالان روی طلای کثیف

۵۴



۶



کودکان منطقه ۸ در
پوش «نوگلان رضوی»
سوغاتی زیبایی برای
کودکان زائر تهیه
کردند

مهر و تسبیح‌های
خاطرهانگیز



۲



داستان پرترافیک یک کوچه

۷



باغبان گمنام مسیر هفت حوض



همسایه به همسایه، دیدار ششم، کوچه سحر ۱۶

برکت روضه برای همسایه‌ها

اهالی خیابان اندرزگوی ۲ از دو طرفه بودن معبر و ترافیک به ستوه آمده‌اند

داستان پر ترافیک یک کوچه



سمیرا منشادی | ترافیک و کوچه‌های کم عرض، معضل و داستان پر ماجرای کوچه شهید اندرزگوی ۲ است. با آنکه کوچه عرض کمی دارد، از هر دو سمت در تسخیر هتل آپارتمان‌ها و سوئیت‌هاست. دو طرفه بودن این خیابان هم قوز بالای قوز است و از هر دو سو، خودروها برای رسیدن به مقصدشان، از این کوچه تعیین مسیر می‌کنند. جدا از رفت و آمدهای بیش از حد در این کوچه، آنچه آزار دهنده است، این است که بسیاری از افراد که سروکارشان با معبر اصلی است، خودروشان را در همین کوچه پارک می‌کنند و مشکلاتی برای اهالی و رانندگانی که قصد عبور از این کوچه را دارند، به وجود می‌آورند. ناگفته پیداست که در فصل‌های بهار و تابستان وضعیت این کوچه به چه شکلی است؛ گاه آن قدر تعداد خودروها زیاد است که کوچه قفل می‌شود.

هر روز شاهد درگیری هستیم

هنوز ساعت‌های ابتدایی روز است، اما کوچه شهید اندرزگوی ۲ بر اثر رفت و آمد خودروها قفل شده. هر کدام از خودروهای می‌خواهند دیگری، راه را برایشان باز کنند تا بتوانند به مسیرشان ادامه دهند. صدای بوق خودروها در همه‌جا می‌پیچیده و هر کدام با دست اشاره می‌کنند که دیگری به کنار برود. سرتاسر کوچه ماشین‌ها پارک شده‌اند. مجتبی سزاوار که از کارکنان هتل آپارتمانی در همین کوچه است، به هر زحمتی شده، راه را برای خودروها باز می‌کند. با او که هم صحبت می‌شویم، می‌گوید: در چند سال اخیر، هتل آپارتمان‌های بسیاری در این کوچه کم عرض ساخته شده‌اند. تردد ماشین‌ها و زائران و همچنین خودروهای اهالی سبب می‌شود هر روز در این کوچه شاهد بحث و درگیری بین رانندگان باشیم. هادی روشن از ساکنان قدیمی این محله است و مغازه‌اش در حاشیه خیابان خسروی قرار دارد. او چند سال قبل، خانه پدری‌اش را فروخته و از این محله رفته است. می‌گوید: یکی از دلایلی که خانه‌مان را از اینجا به محله‌ای دیگر منتقل کردیم، همین ترافیک و شلوغی شبانه‌روزی این کوچه و خیابان‌های اطرافش است. متأسفانه بعضی هتل آپارتمان‌ها و سوئیت‌ها پارکینگ ندارند. زائر تصور می‌کند هر چه خودرویش نزدیک به دیوار یا جوی پارک شود، کمتر دچار آسیب می‌شود و در عبور و مرور خللی وارد نمی‌کند؛ این در حالی است که با آمدن ماشین‌ها از هر دو سمت، راه بر عابران پیاده بسته می‌شود. فردمسین عصابه دست، فردتوان یاب یا خانمی که کالسکه فرزندش را هل می‌دهد، به سختی می‌توانند مسیر را از بین ماشین‌ها پیدا کنند.

هنگامی که بایکی از اعضای شورای اجتماعی محله سرشور هم کلام می‌شویم، او از پیگیری‌هایی پنج سال اخیرشان می‌گوید. محسن پیکان ادامه می‌دهد: از همان روز اولی که شوراها شکل گرفت، درخواست مایک طرفه شدن این کوچه بوده است.

نماینده کسبه شورای اجتماعی محله سرشور بیان می‌کند: چندین جلسه با مسئولان گذاشتیم. حتی از اداره حمل و نقل و ترافیک منطقه ۸ دو کارشناس آمدند. با آنکه تأیید کردند که مشکل وجود دارد و قول همکاری دادند، تا به حال خبری از عملی شدن وعده‌شان نشده است.

منطقه فقط پیشنهاد دهنده است

رئیس اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک منطقه ۸ درباره این موضوع می‌گوید: اجرای درخواست مردم مبنی بر یک طرفه کردن کوچه، در حیطه وظایف معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری است و شهرداری منطقه تنها پیشنهاد دهنده است.

آرش مرتضوی بیان می‌کند: مردم و اعضای شورای اجتماعی می‌توانند درخواست خود را به منطقه ارسال کنند تا آن را برای مشاوران معاونت ارسال کنیم. آن‌ها با بررسی بار ترافیک این کوچه و خیابان‌های اطراف، طرح پیشنهادی را ارائه می‌کنند.

او ادامه می‌دهد: برای یک طرفه کردن یک کوچه باید موضوعات بسیاری بررسی شود. اگر تا به حال این اقدام صورت نگرفته است، به طور حتم، به دلیل آن است که مشکلات دیگری بایک طرفه شدن ایجاد می‌شده است.

سمیرا منشادی | محله‌های قدیمی و همسایه‌هایی که پیوندشان از پیوند خویشاوندی نزدیک‌تر است، در این شهر کم نیستند. اهالی کوچه شهید قاسمی ۳ در محله انقلاب، وقتی حرف از پیوند و دل بستگی می‌شود، می‌گویند نزدیک بود نشان به یکدیگر، کمتر از نسبت خانوادگی نیست. خانواده‌هایی که از محله‌ای دیگر می‌آیند، خیلی زود با ساکنان قدیمی محله صمیمی می‌شوند؛ انگار که سال‌ها یکدیگر را می‌شناسند. هیچ کدام نسبت به هم احساس غریبی ندارند؛ زیرا معتقدند در این سال‌ها همسایه‌ها خیلی به درد هم خورده‌اند.

کمک‌های ناشناس



زهرآزده از حدود ۳۵ سال قبل در این کوچه ساکن شده است. او یک روضه قدیمی دارد که ۱۰ روز اول ماه صفر آن را برگزار می‌کند. می‌گوید: در کوچه ما کسی تنها و غریب نمی‌ماند. تا متوجه می‌شویم فردی تازه به کوچه مان آمده است، او را به روضه هاد عوت می‌کنیم. آن‌ها گاهی مینی بوسی کرایه می‌کنند و دسته جمعی به زیارت امام رضا^(ع) می‌روند. زهرآخانم تعریف می‌کند: قبل از اذان صبح مینی بوس به کوچه می‌آید. نماز را در حرم می‌خوانیم و در برگشت با اتوبوس از چهارراه دانش به خانه برمی‌گردیم.

آن‌ها با همت همسایه‌ها برای کمک به افراد نیازمند، قدم‌های مثبت زیادی برداشته‌اند؛ هر چند دلمان می‌خواهد قدم‌های بزرگ‌تری برداریم، تمام تلاشمان را می‌کنیم تا گره از کار دیگران باز کنیم. آن‌ها کمک‌هایشان را به طور ناشناس به دست افراد نیازمند می‌رسانند. به قول خودشان طوری کمک می‌کنند که این دست از آن دست خبردار نمی‌شود.

برکت فقط مادی نیست



آزده، زهرآخانم عبداللهی را به عنوان یکی از همسایه‌هایش که پای ثابت کار خیر است، معرفی می‌کند و می‌گوید: خانوادگی دستشان در کار خیر است. عبداللهی از سال ۸۶ به این کوچه آمده و از آن زمان با سایر بانوان از طریق روضه‌اش آشنا شده است. زهرآخانم می‌گوید: روضه برای صاحبخانه برکت می‌آورد. برکت تنها شامل مادیات نمی‌شود و به لحاظ معنوی هم نقش زیادی در زندگی‌هایمان دارد. تربیت فرزندان صالح، روشن شدن قلب انسان و قدم برداشتن در جهت خیرخواهی، از مهم‌ترین برکاتی است که روانه زندگی‌مان می‌شود. او معتقد است انس و الفتی که بین همسایه‌ها برقرار شده به برکت همین روضه‌هاست.

عبداللهی می‌گوید: بانوان این کوچه دستشان به کار خیر هم می‌رود. در جلسه‌های قرآن و روضه که اعلام می‌کنند فردی نیازمند است یا می‌خواهند جهیزیه عروسی جمع کنند، همه در حد توان کمک می‌کنند. او گاهی وجه نقد و گاهی هم کمک به خیاطی و دوخت و دوز را به عهده می‌گیرد.

تجربه‌های شیرین



زهرآخانم عبداللهی در میان همسایه‌هایشان از زهرا اسدیان که بیشتر به نام فامیل همسرش، وهاب زاده، شناخته می‌شود، نام می‌برد. سال ۷۲ زمانی که ۲۱ سال داشته، جهیزیه‌اش را به این کوچه آورده و ساکن شده است. حالا دیگر خودش بعد از گذشت سال‌ها مادر بزرگ است و نوه دارد. او تا مدت‌ها عضو فعال بسیج بود و فرمانده پایگاه «هاجر» و سپس «جان نثاران» (مسجد صاحب الزمان^(عج)) شد. اما بعد از آنکه پسرش به دنیا آمد، ترجیح داد فعالیتش را کم کند. در آن زمان که او عضو فعال بوده، اطلاعاتی را که از کلاس‌های بسیج داشته، در اختیار بانوان می‌گذاشته است. اگر قرار بود کلاسی در مسجد برگزار شود، به خانم‌ها اطلاع‌رسانی می‌کرد. او درباره آشنایی‌اش با همسایه‌ها می‌گوید:

تازه عروس بودم که وارد این جمع شدم. صفا و صمیمیتشان جذیب کرد. دوست داشتم از تجربه‌های خانه‌داری و فرزندداری‌شان استفاده کنم. آن‌ها هم مانند مادر و خواهری مهربان راهنمایی‌ام می‌کردند. حالا کارمان به جایی رسیده است که اگر یک روز از حال هم خبر نداشته باشیم، شب نمی‌شود.

منطقه ۸

خدمت ۶۵۰ پاکبان

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۸ از خدمت رسانی ۶۵۰ پاکبان در دهه آخر صفر در خیابان امام رضا^(ع) خبر داد. مهدی حسین زاده با اشاره به توزیع نذری در این مسیر و راهسازی ظروف یک بار مصرف در خیابان گفت: به همت این پاکبانان و بابه کارگیری ۲۱ دستگاه زباله گیر، مشکلی در نظافت معابر نداشتیم. همچنین یک دستگاه مه پاش و یک دستگاه توماس در این مسیر برای خدمت رسانی فعالیت کردند. /

سامان دهی پیاده رو

رئیس اداره ناحیه یک منطقه ۸ از سامان دهی پیاده رو ابتدای خیابان مصباح یزدی (دانش سابق) خبر داد. سید جعفر سیدزاده با اشاره به اینکه این معبر به دلیل هم جوار با حرم مطهر رضوی، آموزش و پرورش ناحیه ۲ و بازار بلور، یکی از مسیرهای پر تردد و زائر پذیر است، گفت: علاوه بر اجرای لکه گیری و پیاده رو سازی خیابان مصباح یزدی یک، بیست عدد دیوار برای سامان دهی پیاده رو ابتدای این خیابان نصب شد. /

اسکان ۲۹۰۰ زائر

شهردار منطقه ۸ از خدمت رسانی و اسکان بیش از ۲ هزار و ۹۰۰ زائر در سالن ورزشی شهید جهاد مغنیه در روزهای پایانی دهه آخر ماه صفر خبر داد. کاظم یزدان مهر با اعلام این خبر گفت: علاوه بر خدمات ارائه شده به زائران در این مکان، با مشارکت و همت خیران موکب دار، غذای گرم بین زائران مستقر در این سالن توزیع شد. /

محلی ها در خدمت زائران

رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۸ از حضور اعضای شوراهای اجتماعی محلات در مراسم دهه آخر صفر خبر داد و گفت: این اعضا با حضور در مدارس که زائران در آن اسکان داشتند، به آن ها خدمت کردند. مهدی حامدی ادامه داد: برخی از اعضا با توجه به تخصص هایی که داشتند در بوستان جهان شهر و سالن جهاد مغنیه به صورت شبانه روزی خدمت می کردند. /

منطقه ۷

اجرای طرح «ترنم زندگی» با مشارکت مساجد

سرپرست شهرداری منطقه ۷ از اجرای طرح ترنم زندگی با مشارکت مساجد در منطقه خبر داد و گفت: در این طرح، خدمات رایگان مشاوره ای و روان شناختی با هدف بهبود کیفیت زندگی خانواده های آسیب پذیر حاشیه شهر توسط روان شناسان ارائه شد. مجید وحدتی پور ادامه داد: با توجه به هزینه های زیاد مشاوره و دور بودن این مراکز از حاشیه شهر،

این طرح مشاوره در شش موضوع تربیت فرزند، حل تعارضات زوجین، کنترل اضطراب و استرس، پیشگیری از اعتیاد، مشاوره تحصیلی و مشاوره قبل از ازدواج در حاشیه شهر ارائه شد. وی یادآور شد: در قالب این طرح، ۱۰۶ جلسه کارگاهی در بیست مسجد برگزار شد که حدود ۱۸۰۰ مخاطب داشت. سرپرست شهرداری منطقه ۷ از اجرای این طرح تا پایان سال خبر داد و افزود: تاکنون بالغ بر چهل مسجد برای شرکت در این طرح اعلام آمادگی کرده اند که در برنامه برگزاری جلسات مشاوره قرار دارند. /

موکبی ویژه بانوان

بوستان بانوان ریحانه با برپایی موکب بانوان حضرت خدیجه^(س) پذیرایی از زائران حضرت رضا^(ع) را در روزهای پایانی ماه صفر بر عهده داشت. در این موکب، علاوه بر پذیرایی از زائران، ایستگاه نقاشی ویژه کودکان نیز دایر بود و بسته های فرهنگی به مراجعه کنندگان ارائه شد. این موکب با همکاری شهرداری منطقه ۷ و همراهی بانوان محلی برپا شده بود. /

اسکان زائران در

فرهنگ سرای ثامن الائمه^(ع)

در روزهای پایانی ماه صفر، بیش از پانصد زائر حضرت رضا^(ع) در سالن ورزشی فرهنگ سرای ثامن الائمه^(ع) در محله طرق اسکان داده شدند. این فرهنگ سراد در کنار کمپ غدیر، سالن های ورزشی، مساجد و مدارس منطقه ۷ پذیرایی زائران حضرت رضا^(ع) در این ایام بود تا زائران بتوانند با خیالی آسوده برای زیارت و عزاداری مشرف شوند. /

سمیرا منشادی | هم زمان با فرارسیدن ماه مهر و فصل بازگشایی مدارس، یکی از اقدامات شهرداری منطقه که آن را در اولویت کارهای قرار می دهد، تجهیز و نوسازی علائم ترافیکی مدارس است. هدف از این اقدام، هشدار به رانندگانی است که از حاشیه مدارس عبور می کنند تا از بروز تصادف پیشگیری شود. شهردار منطقه ۷ با اعلام این خبر که رنگ آمیزی علائم ترافیکی ویژه مدارس در مقابل برخی مراکز آموزشی در حال اجراست، می گوید:



شهردار منطقه ۷ از افزایش ایمنی معابر منتهی به مدارس خبر داد

تجهیز ۲۸ مدرسه به علائم ترافیکی

این تابلوها نزدیک مدارس نصب شود، وجود رفت و آمد ماشین هاست. بدین ترتیب خطراتی به رانندگان داده می شود تا از سرعت خود در نزدیکی مدارس بکاهند. شهردار منطقه ۷ بیان می کند: از رانندگان و همشهریان عزیز تقاضا داریم در محدوده مدارس به علائم هشدار دهنده بیشتر توجه کنند تا کمتر شاهد حوادث ناگوار برای دانش آموزان شهرمان باشیم و در نهایت از اولیای دانش آموزان تقاضا داریم به فرزندان خود قوانین عبور و مرور را بیاموزند. /

هفته مدرسه، فلکتور، شانزده مدرسه هم سرعت گیر آسفالتی نصب شده است. این اقدامات براساس اولویت هایی مانند نزدیک بودن به خیابان اصلی و دولتی بودن انتخاب شده اند. او با اشاره به اینکه تجدید و اجرای خط کشی عابر پیاده، اجرا و رنگ آمیزی سرعت گیرهای آسفالتی منتهی به مدارس، نصب تابلو و علائم راهنمایی و رانندگی و نصب چراغ چشمک زن احتیاط برای ایمنی بیشتر دانش آموزان است، بیان می کند: یکی از دلایلی که باید

۲۸ مدرسه از مدارس منطقه براساس اولویت هایی که اداره حمل و نقل و ترافیک دارد، برای نصب تابلو و علائم ترافیکی انتخاب شده اند. مجید وحدتی پور با بیان اینکه به منظور اجرای طرح استقبال از مهر، عملیات نصب تابلوهای اخباری و هشدار دهنده و ایجاد سرعت کاه در مسیرهای منتهی به مدارس با بودجه ای ۳۰۰ میلیونی در حال اجراست، ادامه می دهد: از ۲۸ مدرسه، برای سیزده مدرسه خط کشی عابر پیاده انجام شده و برای شانزده مدرسه تابلو مدرسه،

نشست شاعران آیینی در کتابخانه شهید مطهری برگزار شد

شعر خوانی در محفل «بهار»



موضوعات دینی است.

مدیرکل نهاد کتابخانه های عمومی خراسان رضوی با اشاره به برگزاری محفل ادبی بهار در کتابخانه شهید مطهری بیان کرد: این کتابخانه با اجرای برنامه های مختلف تبدیل به فرهنگ سرایی فعال شده است و جا دارد از فعالان این عرصه قدردانی شود.

در ادامه، علی اصغر شکفته با بیان اینکه به نویسندگان جوان باید توجهی ویژه شود و تشویقشان کرد، گفت: در کلاس هایی که در زمینه آموزش نویسندگی تحت نظر حسین سربری برگزار می شود، هنر جویانی با استعداد های درخشان حضور دارند. امیدواریم با حمایت اداره کل نهاد کتابخانه ها و بعد از بازبینی، نوشته های این نویسندگان جوان به چاپ برسد تا تشویق این نویسندگان برای ادامه کار آنان باشد.

این شاعر آیینی شهرمان ادامه داد: حمایت و رشد این افراد به منزله تعالی بخشیدن آینده شعر و داستان شهرمان خواهد بود.

شعر خوانی شاعران حاضر در نشست از جمله محسن تیموری، زهرا عراقی، غلام رضا غلامپور، دهرخی و مجتبی ابوالقاسمی از دیگر بخش های این نشست بود.

سمیرا منشادی | محفل ادبی «بهار» در روزهای پایانی صفر در کتابخانه شهید مطهری برگزار شد. مدیرکل نهاد کتابخانه های عمومی خراسان رضوی، معاون اداره کل کتابخانه های عمومی مشهد، رئیس کتابخانه های عمومی مشهد و جمعی از شاعران آیینی و نویسندگان شهرمان در این نشست دوستانه حضور داشتند.

مدیرکل نهاد کتابخانه های عمومی خراسان رضوی با بیان اینکه پیامبر اسلام^(ص) الگوی اخلاق و ایمان است و این خصایص اخلاقی باید در زبان شعر و ادبیات نمود داشته باشد، گفت: خوب است که این خصوصیات اخلاقی در جلسات ادبی به زبان شعر و ادب بیان شود. گفتن این مطالب به زبان شعر از فیلم و سریال هم تأثیر گذارتر است. حجت الاسلام علی اکبر سبزیان با اشاره به اینکه زندگی پیامبر اسلام^(ص) دارای نقطه های برجسته اخلاق مداری است، ادامه داد: حسن اخلاق به عنوان نشان سرفرازی پیامبر در قرآن قید شده و همان ویژگی است که مسلمانان به آن افتخار می کنند.

او در ادامه با معرفی کتاب «آنک آن یتیم نظر کرده»، تألیف محمدرضا سرنشاز افزود: یکی از اقداماتی که در جلسه های ادبی می تواند انجام شود، خوانش و معرفی کتاب در باره

شهرآرا محله از پشت پرده چرخه خرید و فروش ضایعات گزارش می دهد

ردپای دلالان روی طلای کثیف

حمید صفایی، علی عبدالنیا از باله گردی در چند سال اخیر آن قدر شیوع پیدا کرده و کسب و کار ضایعاتی ها آن قدر گسترش یافته که به معضلی برای شهر و شهروندان تبدیل شده است؛ اتفاقی که شاید جمع شدنش ناممکن باشد. بارها برای مصاحبه به سراغ باله گرد ها رفته و درباره کارشان با آن ها صحبت کرده ایم، اما این بار با آدم هایی به گفت و گو نشستیم که تماس کمتری با باله دارند و سود بیشتری هم از این کار می برند. آدم هایی که بار باله گرد را کیلویی ۴ هزار تومان می خرند و چند برابر می فروشند. برای تهیه این گزارش با همراهی یک واسطه به انبارهای ضایعاتی راه یافتیم و موفق به گفت و گو شدیم.

منطقه



در سایه مجوز ضایعات آهن

از خیابان های خلیج و ریاضی که می گذرید، انبارهای ضایعاتی به وفور دیده می شود؛ انبارهایی که در مغازه های صدمتری تازمین های چند هزار متری برپا شده اند. هر یک به فراخور توان مالی شان فعالیت می کنند و همان طور هم سود می برند؛ البته به قول خودشان در این حرفه مشتری مداری هم مهم است که سبک و سیاق خودش را دارد. واردیکی از انبارهای محله خلیج می شویم. مالک انبار که خودش را م. معرفی می کند، حدود هشت سال است با مجوز ضایعات آهن اینجا فعالیت می کند. انبارش چندباری پلمب شده است. اما می گوید: باز کردن پلمب کار سختی نیست. هر چند مجوز ضایعات آهن دارد، اقلام پلاستیکی، لاک و نان خشک هم در انبار دیده می شود. خودش می گوید: نان های خشک را برای سگ هایم آورده ام. این اقلام پلاستیکی را هم که می بینید، مردم برای فروش می آورند و نمی توان قبول نکرد. اغلب نیاز دارند و می خواهند جنسشان به پول تبدیل شود. برای اینکه ما را از سر باز کند، ادامه می دهد: ما تخلفی انجام نمی دهیم و بر اساس مجوز کار می کنیم. اینجا چیز زیادی نداریم. برای دریافت اطلاعات بیشتر به انبارهای بزرگ تر بروید.

درآمد ۵۰ میلیونی داریم

به مسیرمان در خیابان ریاضی ادامه می دهیم. به یکی از انبارهای بزرگ و قدیمی می رویم. همان ابتدای ورود، باسکول برقی بزرگی را مقابلمان می بینیم که برای وزن کردن ماشین های حامل ضایعات است. دویست متر جلوتر داخل انبار هم باسکول دیگری است که اغلب در میدان های تره بار به چشم می خورد. کوهی از نان خشک همان ابتدای ورود، توجه ما را به خود جلب می کند. کنار نان های خشک، بطری های خالی نوشابه روی هم انبار شده است و در کنارشان انواع پلاستیک، ظرف های دیگر انبار هم ضایعات آهن و وسایل تازه خریداری شده را گذاشته اند. چشممان به خانم های مسنی می افتد که روی زمین نشسته اند و تند تند وسایل را تفکیک می کنند. مالک انبار م. ح. جوانی خوش مشرب است که جلومی آید و باروی خوش پذیرای مامی شود. او دو مجوز ضایعات آهن و آسیاب پلاستیک دارد و بیش از سی سال است در اینجا فعالیت می کنند.

همان طور که ایستاده ایم و صحبت می کنیم، مشتری ها یکی یکی می آیند. یک نفر با ماشین پر از پلاستیک می آید. علاوه بر داخل ماشین که فضای خالی ندارد، روی سقف هم دو کیسه بزرگ گذاشته است. قبل از او هم وادتی و سایلش

کسب و کار خانوادگی

مغازه کوچکی را نشانمان می دهند. کرکره مغازه پایین است و هیچ تابلوی نشانی ندارد. اما همسایه های گویند زن و شوهری هستند که کارشان همین است. هر روز بعد از ظهر خانم می نشیند و ضایعات و مواد بازیافتی را از مردم می خرد و شوهرش صبح ها که مغازه بسته است، این وسایل را تفکیک می کند. البته به جز این دو، افراد دیگری هم هستند که خانوادگی کار می کنند، درست مانند یکی از انبارهایی که فردی همراه برادران همسرش در آن مشغول کار است.

از کارشان که می پرسیم، نظری متفاوت درباره برخی هم صنفانشان دارند: «فوت و فن کار را یادند داشته باشی، خرید و فروش ضایعات می شود در سروندان. برای آمدن در این کار، آبرو و اعتبار را باید کنار بگذاری؛ چون شغلت می شود ضایعاتی. اگر حرام خور و مال مردم خور باشی، خوب است و گرنه سودی ندارد! خود یک بار برای خرید چند تکه ظرف رویی افتادم زندان. گفتند مال دزدی است. البته مالک جنس بعد از یک هفته رضایت داد. چون متوجه شدم من بی گناهم، اما تا بخواهی به مردم بگویی ما چرا چه بوده، زمان می برد.»

م. ر. که انبارش یک حیاط سیصد متری است، ادامه می دهد: در این کار سرمایه مهم است. خرد خرد فلزات را بخرید و جمع کنید؛ وقتی زیاد شد بفروشید. همه چیز هم که در حال گران شدن است، سود خودش را دارد. این کار به دردی که سر رشته ندارد، نمی خورد. شمانی دانید چه چیزی می خرید. باید آدم ها را بشناسید. نباید از معتاد جنس بخرید؛ چون ممکن است دزدی باشد و مثل من به در دست بیفتید. نکته دیگری که او تاکید می کند، این است که در کارشان چک معنایی ندارد. فقط پول نقد مبادله می شود. در سطوح بالاتر هم حرف و قول آدم ها اهمیت دارد و بر اساس همان قولی که داده اند، پولت را می دهند.

را خالی می کنند و می رود تا این پراید بتواند داخل بیاید. هنوز این پراید نرفته، ماشین دیگری که بیرون ایستاده است و پشت سر آن هم یک موتوری به داخل می آید. به گفته مالک این انبار به طور میانگین روزی سیصد مشتری به آن رفت و آمد دارند؛ همه جور مشتری داریم. زن و مرد، پیر و جوان، فرقی نمی کند. خانم مسنی هر روز برای ضایعات می آورد. او معتاد نیست، بلکه برای گذراندن زندگی اش این کار را می کند. مانند او یادند. اگر بخواهم ما چرا بایشان را برایتان تعریف کنم. یک کتاب داستان می شود.

کارگران سخت مشغول کارند؛ از هفت ساله تا شصت ساله بینشان دیده می شود. او درباره کارش توضیح می دهد: شغل پدرم همین بود؛ من و برادرانم هم در کنارش کار می کردیم. خودم سیکل گرفتم؛ درس راها کردم و باید همراه شدم. برادرانم به دانشگاه هم رفتند. اما در نهایت آن ها هم برای کار به همین جا آمدند و کنار یکدیگر کار می کنیم.

پسر بچه هفت ساله ای را نشانمان می دهد که لباس های مرتبی به تن دارد و در کنار دیگران مشغول کار است. «این بچه، پسر برادر من است. تابستان ها به اینجا می آید تا با این کار آشنا شود و چم و خم کار دستش بیاید. فردا روز آن ها باید این کار را ادامه دهند.»

او می گوید سود این کار خوب است. اما شرطش این است که دل به کار بدهید و زحمت بکشید؛ هفتاد درصد آدم هایی که در این حرفه کار می کنند، جزو اتباع هستند. وقتی قرار باشد یک نفر با هشت سرعائله در خانه اجاره ای زندگی کند، مجبور می شود با همان بچه ها کار کند. آن ها به خاطر شرایط زندگی شان سخت کاری کنند تا هم امور زندگی شان بگذرد و هم پس انداز کنند. اما ایرانی های خودمان زیاد تن به کار نمی دهند. به سختی می توانیم کارگر ایرانی پیدا کنیم که کار کند. همین الان خودم بیست کارگر می خواهم. روزی ۳۰۰ هزار تومان هم دستمزد می دهم.» وقتی از او درباره درآمد و نوع کارش می پرسیم، جواب می دهد: اگر درست کار کنید، درآمدش خوب است. مادر اینجا ماهی حدود ۵۰ میلیون تومان درآمد داریم.

مافیای نامحسوس

وقتی می گویند این حرفه هم مافیادارد، بیراه نگفته اند. در زمان حضورمان متوجه رفت و آمد یکی دو موتور سوار و یک ماشین با چهار سرنشین می شویم که سن و سالی از آن ها گذشته است. زمانی مطمئن می شویم حواسشان به ما هست که مشا هده می کنیم برخی انبارها در این ساعت از روز دارند می بندند و هر جا هم می رویم، آن ها را پشت سرمان می بینیم تا سر از کارمان در بیاورند. ترجیح می دهیم از این محدوده برویم. حین گفت و گو هم چند نفری می آیند و دلیل حضور ما را می پرسند.

قیمت هر کیلو ضایعات

پت	۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰۰ تومان
کارتن	۴۵۰۰ تومان
آهن	۱۴۰۰ تا ۱۶۰۰۰ تومان
قوطی های آلومینیومی	۵۵۰۰ تومان
کتاب و روزنامه	۸۵۰۰ تومان
درهم	۴۰۰۰ تومان
نان	۷۰۰۰ تومان



را اجاره کرده‌ام یک لقمه نان در بیاورم، این کار را نکنم چه کنم، بروم دزدی کنم؟

بار را چطور و از چه کسی بخرم؟

از زباله گرد ها، آن‌ها ضعیف هستند، برای همین باید با آن‌ها نقد حساب کنی. یک تومان از دیگران بیشتر بخری، بار را برای تومی آورند. معتاد ها هم که برای ضایعاتی می آورند، تو پانصد تومان هم که بیشتر بخری، او وسایل را همیشه برای تومی آورد.

از کجا بفهمم وسایلی که می آوردم سرقتی نیست؟

یک بار شیر آلانی که آورده بودند سالم بود. از اداره آگاهی که آمدند، شیر را دیدند، گفتند این سرقتی است. گفت من از کجا بفهمم سرقتی است یا نه. در جواب گفتند اگر وسایلی که می آورند شکسته بود، ضایعات است. اما وقتی سالم باشد، به احتمال زیاد سرقتی است.

این کار چقدر سرمایه می خواهد؟

برای سرمایه ابتدایی هر چه پول داشته باشی، کم است. هر چه پول بگذاری وسط، سود می کنی. کارگاهی که می گیری، انگار قلک است و در آن پس انداز می کنی. اینکه گفتیم فضا بزرگ باشد، برای همین است. تو آهن آلات را نگه می داری، هر وقت زیاد شد، می فروشی. با این بازار هم همه اجناس روز به روز گران تر می شود. اما اگر بتوانی با کارگاه های بزرگ تراشکاری که سری کاری انجام می دهند، یا کارخانه هایی که می خواهند آهن آلات بفروشند، ارتباط بگیری، خیلی خوب است. ماشین های بی سند و اسقاطی هم تو را حرکت می دهد. چهار تا کارگر زنگ می گیری، ماشین را با فرزند خردمی کنند و قطعاً تش را می فروشی. اینکه سرقتی هست یا نه، نمی دانیم. کم کم پیچ و خم کار دست می آید. لوازم سالم مانند در و پنجره هم که می خری، عکس می گیری و در دیوار می فروشی.

این وسایل را که گرفتیم، کجا بفروشیم؟ به کارخانه ها؟

نشد دیگر! این کار سلسله مراتب دارد. برای ما که تازه کاریم، شناخت آن ها ممکن نیست. ابتدا باید سواری بدھیم تا متوجه کار شویم. ما هم وسایل را به همان هایی که دیگران می فروشند، می فروشیم. چند دست فروخته می شود تا به دست آن هایی که در این کار استخوان خرده خرده اند برسد، خودشان به کارخانه هایی مانند ذوب آهن و کاغذ می فروشند. به فکر رسیدن به آن مرحله نباش.

● شغلی شبیه طلافروشی

برای اینکه درک بهتری از این شغل داشته باشیم، به بهانه هور شکستگی و تغییر شغل با ضایعاتی ها تلفنی گفت و گو می کنیم. البته کار آسانی نیست و پس از پرس و جو بسیار و پیدا کردن دوست و آشنا می توانیم ارتباط برقرار کنیم.

● گفت و گو تلفنی با آقای م. ک.

می خواهم کارم را عوض کنم، به نظر شما اگر وارد کار خرید و فروش ضایعات بشوم، خوب است؟

اسم خوبی ندارد، اما درآمدش خوب است. ضایعاتی که مردم بیرون می ریزند، طلای کثیف است، از طلا هم بالاتر. فردی را می شناسم که نان برای خوردن نداشت، نمی دانست پراید چیست، اما از وقتی وارد این کار شد، زندگی اش زیر و رو شد. حالا برو بین بچه های پیش چه ماشین هایی دارند. حالا یکی دو انبار ضایعاتی بزرگ با اسکول هم دارند. آن آدم وقتی فوت کرد، به جز مستغلاتی که داشت، حدود چند صد میلیارد در حسابش پول بود. چرا از مردم بگویم؛ یکی از بستگان خودم، وارد هر کاری که می شد موفق نبود. الان یک انبار اجاره کرده است، کارتن خواب ها را پیش ضایعات می آورند و آن ها را تفکیک و دپو می کنند و بعد می فروشند. کار با کارتن خواب ها خوب است، تو در دفتر نشسته ای و آن ها را برای ضایعات می آورند. یکی دو کارگر هم می گیری تا برایت زباله ها را تفکیک کنند. تو هم دست در جیب می کنی و بر کار نظارت می کنی. اول این کار با لایوایی دارد، اما نگران نباش و نترس، کم کم به سود می رسد. هر چه پول تزریق کنی، کم است. اگر بتوانی با شرکت ها و ادارات که وسایلشان را به مزایده می گذارند، ارتباط برقرار کنی، بارت را بسته ای.

به نظر تان خوب است در همین محله خلیج مکانی اجاره کنم؟ ضایعاتی های بسیاری در اینجا مشغول کارند.

خانه مسکونی اجاره نکن، چون همسایه ها شاکی می شوند و در سر دارد. یک روز از شهرداری می آیند و یک روز از اداره بهداشت. جاده مهرآباد، روستای ده غیبی یار باطریق بهتر است. ریاضی ۴۴ به بالا هم همه ضایعاتی هستند، اما آن ها انبارهای بزرگی دارند که به کسی اجاره نمی دهند، چه برسد به شما که تازه کار هستید.

پس چرا این همه ضایعاتی در خیابان خلیج است؟

بیشترشان غیر مجازند. پارسال دم عید پلمبشان کردند. شهرداری پلمب می کند، این ها پس از مدتی باز می کنند. نهایتش تورا می برند دادگاه. این هم مشکلی نیست، می گویی «بدبختم و بیچاره ام، اینجا

● گفت و گو تلفنی با آقای ر. م.

ر. م. یکی دیگر از افرادی است که همکاران را راهنمایی می کند. او در این تماس تلفنی می گوید: این حرفه رقابتی است. اگر هشت سال پیش با ۶ میلیون می شد کار را شروع کرد، اکنون با ۲۰۰ میلیون تومان باید کار را دست بگیرد. بهتر است جنس در هم را از زباله گرد ها بخرد و بدھد تفکیک کنند. نکته قابل توجهی که او به آن اشاره می کند، فعالیت های این صنف در فضای مجازی است. به طور مثال فرد در دیوار آگهی می دهد. شهروندان که می خواهند وسایل کهنه انباری شان یا هر چیزی را بفروشند، آن ها این وسایل را می خرند و با قیمتی بیشتر به ضایعاتی ها می فروشند، بدون آنکه مکانی برای دپو ضایعات داشته باشند یا بخواهند کار خاصی انجام دهند.

سودی که همه را و سه می کند

به سراغ هر کدامشان می رویم، خبری از زباله یابوی نامطبوع نیست. بیشتر آن ها کار را به کارگران غیر ایرانی سپرده اند تا ضایعات را برایشان دسته بندی کنند. این کاری شباهت به کار دیگر دلان نیست، جنس را از یک نفر می خرند و پس از مدتی به فرد دیگری با سود بیشتر می فروشند. با شماره هایی که در دیوار ثبت شده است، تماس می گیریم؛ اغلبشان از اتباع هستند و هر کدام یک نرخ برای خرید می دهند. وقتی اصرار ما را در قیمت گذاری می بینند، توضیح می دهند که در هر نوع ضایعات، کیلویی هزار تومان سود می کنند.



سمیرا منشیادی یادستان کوچکشان گل‌های رس را گرد می‌کنند. باید یازده دایره درست کنند. بعد هم بانخ سبزرنگ و با کمک سوزن، دایره‌ها را به نخ می‌کشند تا شکل تسبیح به خود بگیرد. عده‌ای دیگر خاک رس را ورز می‌دهند. قالب می‌زنند و اضافه‌های دور قالب را با چاقوی پلاستیکی جدا می‌کنند. در آخر مهر «السلام علیک یا علی بن موسی الرضا^(ع)» را رویش می‌زنند. مهر نماز هم آماده شده است. پرنده‌ای را هم که نماد کبوتران حرم رضوی است، یکی از بزرگ‌ترها که کار آموزش در دست کردن این پک سوغاتی را به عهده دارد، آماده می‌کند. مهر، تسبیح و پرنده آماده شده را داخل پک می‌گذارند. تلاششان به نتیجه نشست است. آن‌ها کودکان شرکت کننده در پویش «نوگلان رضوی» هستند. آمده‌اند تا سوغاتی‌های کودکان زائر را که در آخرین روزهای ماه صفر به شهرمان می‌آیند، به دستشان برسانند.

همه مادر و ست‌داریم گوشه‌ای از خاطره‌های خوب را نگه داریم و آن‌ها را با خود به خانه ببریم؛ به عبارتی سوغات برای خودمان و سایر عزیزانمان ببریم تا همواره خاطره‌های خوب را با آن دوره کنیم. اینجا پایانه مسافربری امام رضا^(ع) در آخرین روزهای ماه صفر است و این کودکان آماده استقبال از زائران هستند؛ جایی که این روزها مملو از عاشقان و دل‌باختگان رضوی است.

کودکان منطقه ۸ در پویش «نوگلان رضوی»

سوغاتی زیبایی برای کودکان زائر تهیه کردند

مهر و تسبیح‌های خاطره‌انگیز

هدیه معنوی به کودکان زائر

فرهنگ سرای کودک و آینده به منظور ثبت خاطره زیارت و یادآوری روزهای عزاداری برای کودکانی که مهمان شهرمان می‌شوند، پویش نوگلان رضوی را به راه انداخت. البته این دومین باری است که فرهنگ سرای کودک و آینده به کودکانی که مهمان امام مهربانی‌ها می‌شوند، سوغات شهرمان، مهر و تسبیح، و یک پرنده را که نمادی از کبوتران حرم رضوی است، هدیه می‌دهند. این پویش اولین بار به مناسبت دهه کرامت و ولایت امام رضا^(ع) از سوی فرهنگ سرای کودک و آینده در پایانه مسافربری امام رضا^(ع) اجرا شد.

وسایل کار ساده و ابتدایی است و روی میز قرار دارد؛ خاک رس، نخ، سوزن و قالب. این کودکان از طریق والدینشان با این پویش آشنا شده‌اند. آمده‌اند تا با عشق و علاقه سوغاتی تهیه کنند تا هم دوستی‌شان را به هم نوعانشان و هم ارادتشان را به ولی نعمتشان نشان بدهند. حسنا ساختمان یازده سال دارد. او از طریق مادرش با این پویش آشنا شده و به پایانه آمده است تا در ساخت این سوغاتی معنوی شریک باشد. اومی گوید: دوست داریم به دوستانی که نمی‌شناسم، سوغات شهرم را هدیه بدهم. برایشان توضیح می‌دهم که پرنده نماد چیست. مهر و تسبیح هم که سوغات شهرمان است. این دختر یازده ساله می‌خواهد دوستانش را با خاطره خوب از شهرمان بدرقه کند؛ به همین دلیل با نهایت دقت، کارهایی را که به او محول شده است، انجام می‌دهد تا حاصل کارش خوب باشد.

محمد رضا مشکاتی همراه والدینش آمده است در این پویش شرکت کند. او ۹ سال دارد و مهر امسال به کلاس سوم دبستان می‌رود. مفهوم سوغاتی را خوب می‌داند و از اولین سوغاتی که پدرش از زیارت کربلا برایش آورده است صحبت می‌کند. می‌گوید: پدرم برایم یک ماشین آورد. اما برای مادرم و خواهرم مهر کربلا آورد. پدر و مادرم گفته‌اند آن‌هایی که به شهرمان می‌آیند، برای سوغاتی مهر و تسبیح تبرک می‌برند. می‌خواهم با ساختن این مهر و تسبیح، خاطره زیارت مشهد همیشه در ذهنشان باشد.

ترویج مهربانی و ایثارگری

هدف از اهدای سوغاتی توسط کودکان مشهدی به زائران هم سن و سال خودشان، راه اندازی جریان‌های مردمی و کودکانه حول محور ارزش‌های اسلامی است. در این پویش، کودکان به عشق امام رضا^(ع) و با تأثیر از مشی و منش مهربانی این امام رؤف سوغاتی به دیگر کودکان هدیه می‌کنند. به عبارتی پویش نوگلان رضوی، ترویج روحیه مهربانی و ایثارگری در کودکان و نوجوانان، ایجاد فضای دوستی و آشنا کردن آن‌ها با مفاهیم زیارت و سوغات است.

سوغاتی ام را خودم می‌سازم

همان طور که بچه‌ها مشغول درست کردن پک‌ها هستند، زائران کوچک از راه می‌رسند. برخی از آن‌ها دوست دارند که خودشان هم درست کردن سوغاتی که می‌خواهند ببرند، سهیم باشند. کنار بچه‌هایی ایستند و یاد می‌گیرند که چگونه تسبیح درست کنند. یکی از آن‌هایی که دوست دارد سهمی در درست کردن سوغاتی‌اش داشته باشد، احمد رضا قوی زاده از آبادان است. او برای اربعین به همراه مادر و مادر بزرگش به کربلا سفر کرده و حالا به اتفاق مادرش آمده است تا روزهای آخر صفر و شهادت امام رضا^(ع) را در مشهد باشد. او که مانند همه اهالی جنوب خونگرم است، خیلی زود با بچه‌ها دوست می‌شود. احمد رضای گوید: کار با خاک رس بسیار لذت بخش است. از اینکه می‌توانم با دست‌های خودم سوغاتی درست کنم، خوشحالم.

هدیه‌ای فراموش نشدنی

الهام فیض آبادی دوازده ساله به همراه خانواده خاله‌اش به پایانه آمده‌اند تا بلیت برگشت به مه‌ولات را بگیرند. جثه ظریفی دارد و کوچک‌تر از سنش به نظر می‌رسد. الهام به همراه کاروانشان



چهار روز در راه بوده‌اند. می‌گوید: با یک کاروان از مه‌ولات آمده‌ایم. در راه موبک‌های بسیاری برای استقبال از زائران درست کرده بودند که در آن‌ها استراحت کردیم، مشهدی‌ها خوب از زائران پذیرایی می‌کردند.

الهام گاهی که خسته می‌شده، به همراه سایر کودکان پشت وانتی که همراهشان بوده است، سواری می‌شده تا کمی استراحت کند. او از اینکه مهر و تسبیح سوغاتی گرفته، خوشحال است و می‌گوید: تا به حال زیاد به مشهد آمده‌ایم. آخرین بار نوروز همین امسال بود که با پدر و مادرم آمدیم. هر بار ما برای دوستان و فامیل سوغاتی تهیه می‌کردیم، اما این بار خودم سوغاتی هدیه گرفتم. این برایم لذت بخش است و هرگز این روز را فراموش نمی‌کنم. وقتی برگردم، خاطره این سوغات را برای دوستانم تعریف می‌کنم.

اولین زیارت با سوغاتی خاطره‌انگیز شد

حسین، فاطمه و بتول و مینا از پاکستان زائر شهرمان شده‌اند. فارسی را خوب نمی‌توانند صحبت کنند؛ با انگلیسی دست و پا شکسته با آن‌ها صحبت می‌کنیم. اولین باری است که به مشهد آمده‌اند. مادرشان زینب می‌گوید که همسرش متولد و بزرگ شده زاهدان است و از زمانی که ازدواج کرده‌اند، همسرش به پاکستان رفته است.

اومی گوید: همسر من از حال و هوای این روزهای مشهد بسیار برایمان تعریف کرده است. او خودش زمانی که نوجوان و جوان بوده، برای عزاداری به مشهد می‌آمده. امسال هم با سختی زیاد راهی مشهد شدیم. اما مطمئنم که برای بچه‌ها از اولین زیارتشان خاطره خوبی در ذهنشان باقی می‌ماند. طی سه روز یعنی ۲۰ تا ۲۳ شهریور، بیش از صد پک سوغاتی به همت کودکان شرکت کننده در پویش بین کودکان زائر توزیع شد.





سید جواد حسینی در اقدامی خودجوش ۳۰۰ اصله درخت توت کاشته است

باغبان گمنام مسیر هفت حوض

منطقه



حمیده صفائی |

تابوتی نمادین روی
دست زنان محله است
و تاج‌های گل را مقابل تابوت
گذاشته‌اند. منتظرند دیگر هیئت‌ها
از راه برسند و علم‌هایشان را در دو سمت
خیابان امام خمینی ۹۳ بگذارند و بعد همگی
از مقابل حسینی‌ه امام رضا^(ع) در این کوچه حرکت
کنند. تاکنون دوازده هیئت جمع شده‌اند.

● خدمت به مردم در طول مسیر

با آمدن هر هیئت، مداح هیئت متوسلین به امام رضا^(ع) در خیابان
امام خمینی ۹۳ شروع می‌کند به ذکر خواندن و مداحی. گروه میهمان
هم سینه‌زنان به جمع اضافه می‌شود. علم‌ها که حالا تعدادشان به بیش از
بیست تارسیده است، خیابان را جلوه‌ای خاص داده‌اند. دامامه زن‌ها از راه
می‌رسند و با صدای آن‌ها همه می‌دانند که هیئت‌ها باید حرکت کنند. دامامه زن‌ها
جلومی روند و ضریح نمادینی را که درست کرده‌اند، حرکت می‌دهند. بعد هم نوبت
تشییع نمادین پیکر امام رضا^(ع) است. وقتی همه حرکت می‌کنند، هیئت‌های مذهبی
هم علم‌ها را به خط می‌کنند و یکی یکی به راه می‌افتند. خیابان مملو از جمعیت است
و هر چه جلومی روند، به جمعشان اضافه می‌شود.

کودک و نوجوان ندارد. اینجا همه پای کارند. بچه‌ها جلوتر می‌روند تا مسیر سالمدان
را باز کنند و آبی به دستشان بدهند. در طول مسیر در همان خیابان در بیشتر خانه‌ها
باز است و هر یک نذری به دست مردم می‌دهند. یکی بطری آب معدنی آورده است و
دیگری آش رشته می‌دهد. جلوتر که می‌رویم، می‌بینیم که تندتند لیوان‌های شربت را
به دست مردم می‌دهند.

خانم‌های مسن تر محله، خود را خادم امام رضا^(ع) می‌دانند و با چوب‌پری در دست،
صف‌ها را نظم می‌دهند.

به فرمان پلیس راهور، مسیر خودروهادر خیابان امام خمینی^(ع) بسته می‌شود تا جمعیتی
که حالا حدود پانصد نفر می‌شود، از خیابان عبور کند.

● سنت حسنه سلام

سنت جالبی که در این مراسم اجرا می‌شود، سلام دادن علم‌ها به یکدیگر است. علم‌ها را
مقابل یکدیگر قرار می‌دهند و به رسم دیرینه به هم سلام می‌کنند. هر چند کار ساده‌ای
نیست و خم کردن علم در مقابل یکدیگر انرژی می‌خواهد، چوب‌داران به عشق ائمه^(ع) و
اعتقادات قلبی‌شان این رسم را اجرا می‌کنند. آن‌ها این مسیر را تا میدان بیت المقدس
طی می‌کنند تا به حرم مطهر رضوی هم سلامی بدهند و علم‌ها را تا محرمی دیگر در
هیئت‌ها نگه دارند.

محمود اکبری که سال‌هاست در این خیابان سکونت دارد، از این رسم دیرینه چنین برایمان
می‌گوید: حدوداً چهل سالی می‌شود که علم‌ها را از این خیابان به سمت حرم می‌برند.
زنان محله تابوتی نمادین را روی دست می‌گیرند و پشت سر علم‌ها حرکت می‌کنند.
این رسم بیشتر برای دل خوشی خودمان است و اینکه به حرم مطهر رضوی برویم و از
امام رضا^(ع) بخواهیم تا محرم سال دیگر حواسش به ما و عزیزانمان باشد.

محمد ابراهیمی نیز که مویی سپید کرده است، می‌گوید: مردم این خیابان به عشق
امام رضا^(ع) در روز شهادت آن حضرت جمع می‌شوند تا هر کس، هر کاری از دستش
بر می‌آید، انجام دهد. خودتان می‌بینید که در خانه‌ها اغلب باز است و همه به دنبال
انجام کاری برای مردم هستند.

سمیرا منشادی اگر به هفت حوض رفته باشید، بی‌شک هنگامی که از پیچ و خم کوه بالا
می‌روید، نگاهتان به درختانی که در حاشیه بولوار کاشته شده افتاده است؛ درختان توتی
که میوه‌شان در فصل بهار و تابستان خودروها را مجبور به توقف می‌کند. شاید برایتان جای
پرسش باشد که این درختان را چه کسی اینجا کاشته است یا با آنکه امسال تابستان بسیار
گرمی را پشت سر گذاشتیم، چطور این درختان سرسبز هستند و خشک نشده‌اند. بانی
کاشت و آبیاری درختان مسیر هفت حوض تاروستای اردمه، سید جواد حسینی است. او
ساکن محله انقلاب و از اعضای شورای اجتماعی این محله است؛ البته برخی از اهالی او
را به عنوان یک بازاری که ۲۸ سال بنگاه املاک دارد، می‌شناسند. در هر حال او از دلسوزان
فضای سبز و درختان محسوب می‌شود و در این زمینه هر کاری که از دستش بر آید، انجام
می‌دهد. او معتقد است اگر این درختان نباشند، نفس‌های شهر به شماره می‌افتد.

● صفر تاصد کار درخت کاری

حسینی از سال ۹۸، کاشت درختان مثمر را در حاشیه بولوار هفت حوض شروع کرده و برای
به سرانجام رسیدن این کار، منتظر مسئولان و اقدامشان نشده است. او برای آبیاری درختان
و تشنگ درخت کردن پای درختان هزینه کرده است. هدفش از کاشت درختان توت در
حاشیه بولوار را این گونه برایمان توضیح می‌دهد: بسیاری از همشهریان برای تفریح و
خوردن توت به سمت جاده طریقه و شان‌دیز می‌روند، به طوری که بیشتر این مکان‌ها
اشباع شده است. این در حالی است که منطقه گردشگری هفت حوض این ظرفیت را
دارد که همشهریان برای تفریح و خوردن توت به این سمت بیایند.

او با این هدف که همشهریان بتوانند در فصل بهار و تابستان برای تفریح به این قسمت
از شهر بیایند، شروع به کاشت درخت کرده است.

آقای سید جواد حدود سیصد اصله درخت توت کاشته و مسئولیت آبیاری آن‌ها را هم بر عهده
گرفته است. خودش می‌گوید: اگر این درختان هر بیست روز یک بار با تانکر آب رسانی
شوند، همیشه سرسبز و شاداب هستند و میوه‌های شیرینی خواهند داشت. اما مشکلات
برای آب‌رسانی بسیار زیاد است و ماهی یک بار درختان را آبیاری می‌کنیم.

در این میان آنچه برای او تبدیل به یک چالش شده، تردد تانکر حمل آب است؛ زیرا
جاده هفت حوض عرض کمی دارد و هنگامی که تانکر توقف می‌کند، عبور و مرور دیگر
خودروها دچار مشکل می‌شود. در این مواقع باید دو نفر پشت تانکر حاضر باشند و با
پرچم به ماشین‌ها علامت بدهند تا تصادفی رخ ندهد. به این ترتیب آبیاری کل مسیر از
ابتدای جاده هفت حوض تاروستای اردمه، سه روز زمان می‌برد. او تأکید می‌کند که اگر
شهرداری تانکر در اختیار او بگذارد، هزینه آب و کارگر را خودش به عهده می‌گیرد.

● درختان باقی‌الصالحات هستند

حسینی انگیزه‌ای به جز باقی‌الصالحات ندارد و معتقد است درختان
هم مانند فرزندان صالح باقی‌الصالحات هستند. آقای سید جواد
می‌گوید: تربیت فرزند صالح، ساخت مسجد، مدرسه، درمانگاه
و... همه کارهای خیر محسوب می‌شود؛ کاشت درخت هم
یک کار خیر ماندگار است، به ویژه اگر درختان مثمر
باشند و هم‌رنگ‌داران بتوانند از میوه و سایه آن‌ها
استفاده کنند و هم‌پزندگان.

عیدگاه

ساکنان محله امام خمینی^(ع)
مراسم تشییع نمادین پیکر
امام رضا^(ع) را اجرا کردند

رسم دیرینه عاشقی



منطقه



محلات منطقه ۷:

عنصری، ۱۷ شهریور، کارگران، مقدم، کوشش، کوی
پلیس، پروین اعتصامی، المهدی، سیدی، خلیج، عسکریه،
انقلاب، بهارستان، ابوذر، قائم (عج)، زارعین، طرق

سرشور، جنت، امام رضا (ع)، امام خمینی (ره)
شهید بهشتی و آبشار

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹۰

دفتر منطقه ۷: خیابان پروین اعتصامی ۱۸- پست ساختمان شهرداری منطقه ۷
دفتر منطقه ۸: کوهسنگی ۳۱- پارکینگ بوستان کوهسنگی- چهارسوق هنر (سوق چهارم)
پست الکترونیک:

mahalle7@shahrara.ir - mahalle8@shahrara.ir

@ShahraraMahaleh

کانال شهرآرامحله: shahraranews.ir دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از:

مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر

سرمدین: سید سجاد طلوع هاشمی

دبیر شهرآرامحله: فاطمه خلیجی استاد

دبیر شهرآرامحله منطقه ۷ و ۸: حمید صفائی

تلفن شهرآرامحله منطقه ۷ و ۸: ۳۱۲۹۴۷۸۱-۴۰۳۱۲۹۱۸۶۳

منطقه



هیئت متوسلین به امام رضا (ع) به رسم هر سال
مراسم پایان عزاداری امام حسین (ع) را اجرا کردند

وداع با صفر

مراسم مذهبی علاوه بر اینکه باعث حفظ یک سنت
دیرینه می شود، دل ها را به هم نزدیک می کند؛ درست
مانند مراسم چهل ساله هیئت متوسلین به امام رضا (ع)
که اهالی محله امام خمینی (ره) را گرد هم جمع می کند و
با کمک یکدیگر، آیین نمادین تشییع پیکر امام رضا (ع) را
برپا می کنند. یکی از بخش های این مراسم، وداع علم ها
با محرم و صفر در مقابل حرم مطهر است.



رنگ عکس: حدیث فقیری/شهرآرا



معصومه یزدی، زهرا مظلوم و محبوبه ربیع می گویند
چهل سال است که این مجلس را در محله امام خمینی (ره)
برپا می کنند و خادم امام رضا (ع) هستند.

۴۰ سال است که چوب داران
هیئت، علم ها را به رسم ادب مقابل
هم خم می کنند و به این ترتیب
علم ها به هم سلام می دهند.



هیئت حضرت رقیه (س) سال ۱۳۵۸ در خیابان ضد تشکیل شده است. حدود
هشت سال است که علم شان را به این مراسم می آورند.



احمد حلاج می گوید: ۲۵ سال ساکن این محله
هستیم. آب معدنی نذر کرده ایم. کار دلی است و
برای خدمت به زائر امام رضا (ع).

